

گسترش سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا در خاورمیانه و امنیت جمهوری اسلامی ایران

دکتر قاسم ترابی^۱

تاریخ تصویب: ۸۹/۱۱/۱۶

تاریخ ارائه: ۸۹/۱۰/۱۵

چکیده

توافق ترکیه با طرح ناتو در اجلاس لیسبون، تلاش‌های آمریکا برای ایجاد و گسترش سامانه‌های دفاع هوایی در منطقه خاورمیانه را وارد مرحله تازه‌ای نموده است. پیش از این، آمریکا برای مقابله با آنچه تهدیدهای موشکی از ناحیه برخی از کشورهای خاورمیانه می‌نامید، اقدام‌هایی را در راستای افزایش توان دفاع هوایی کشورهای منطقه انجام داده بود. برای نمونه، فروش سامانه‌های دفاع هوایی پاتریوت به چهار کشور عربی حاشیه خلیج فارس و ارسال رادارهای «ایکس - باند» و سایر تجهیزات دفاع هوایی به رژیم صهیونیستی، از جمله اقدام‌های آمریکا در این زمینه بودند. با وجود این، به دنبال تغییر سیاست دفاعی آمریکا در زمان دولت اوباما و موافقت ترکیه با ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در این کشور، شرایط امنیتی منطقه با تغییراتی جدی مواجه شده است. ابعاد سیاسی و امنیتی طرح دفاع هوایی آمریکا و ناتو در ترکیه، بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی می‌باشد که در کشورهای عربی خلیج فارس عملی شده است. با توجه به این موضوع، هدف مقاله حاضر، ارزیابی این تحولات با توجه به امنیت جمهوری اسلامی ایران است.

واژگان کلیدی: اجلاس لیسبون، سپر دفاع موشکی، امنیت ج.ا. ایران، ناتو، خاورمیانه، تهدید.

۱. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان

مقدمه

در چند سال گذشته، تلاش‌های گسترده‌ای از سوی دولت‌های جرج بوش و اوباما با هدف بزرگ‌نمایی قدرت موشکی و هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران انجام شده است تا زمینه برای ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپا و همچنین تقویت سامانه‌های دفاعی در کشورهای حاشیه خلیج فارس مهیا شود. در این راستا، دولت بوش به بهانه مقابله با افزایش قدرت موشکی ایران، به دنبال ایجاد سپر دفاع موشکی در چک و لهستان بود. دولت بوش در این زمینه بارها اعلام نمود، توانایی موشکی ایران می‌تواند در میان‌مدت کشورهای اروپایی و در بلندمدت آمریکا را تهدید نماید؛ در نتیجه، ساخت سپر دفاع موشکی در اروپا از ضرورت فراوانی برخوردار است. البته برخلاف ادعای دولت بوش، بسیاری از کارشناسان، ساخت سپر دفاع موشکی را اقدامی برای تضعیف توان موشکی و در نهایت، بازدارندگی روسیه و در نتیجه، کاهش قدرت این کشور ارزیابی می‌نمودند. در کنار برنامه ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپا، دولت بوش به شکل موازی تلاش داشت تا توانایی دفاع هوایی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی را افزایش دهد.

با روی آمدن اوباما نیز هرچند تغییراتی در شکل اجرایی سیاست‌های دفاعی آمریکا رخ داد، ولی تغییری در مورد سیاست بزرگ‌نمایی قدرت جمهوری اسلامی انجام نشد و اوباما با تغییر رویکرد آمریکا در این زمینه، روند ایجاد سامانه‌های دفاع هوایی در پیرامون ایران را تسریع بخشید. از جمله می‌توان به تلاش‌های دولت اوباما برای جایگزین نمودن «سپر دفاع موشکی ناتو» در ترکیه به جای «سپر دفاع آمریکا» در چک و لهستان اشاره نمود که با مقاومت کمتر روسیه و همراهی بیشتر کشورهای اروپایی همراه شده است.

با توجه با این موضوع‌ها و اهمیت ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه، هدف این مقاله ارزیابی اقدام‌های آمریکا در راستای ساخت و افزایش سامانه‌های

دفاعی در پیرامون ایران در چند سال گذشته و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل، در ادامه به بررسی اقدام‌های آمریکا در زمینه ایجاد یا گسترش سامانه‌های دفاعی در پیرامون ایران با تأکید بر تلاش این کشور برای ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه طرح سپر دفاع موشکی

موضوع ایجاد سپر دفاع موشکی، اولین بار با عنوان «ابتکار دفاع راهبردی»^۱ از سوی «دولت ریگان» در قالب جنگ سرد بین اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا اعلام شد. در آن زمان، دولت ریگان اعلام نمود، صنایع نظامی آمریکا به توانایی ساخت تسلیحات و امکانات نظامی جدیدی دست یافته است که قادر به از بین بردن موشک‌های قاره‌پیمای اتحاد جماهیر شوروی می‌باشد. بر این مبنای، دولت ریگان مدعی شد، آمریکا توانایی ساخت تسلیحات تدافعی ویژه‌ای را پیدا کرده است که می‌تواند با لیزر، موشک‌های دوربرد را شناسایی و در نهایت منهدم نماید. البته در همان زمان، بسیاری از کارشناسان امنیتی و نظامی، توانایی آمریکا برای دستیابی سریع به چنین فناوری و سپس عملی کردن آن را با تردید ارزیابی نمودند؛ با وجود این، اعلام این مسئله، نقش مهمی بر محیط امنیتی و نظامی جنگ سرد گذاشت که علت آن، نقش مهم این فناوری در ایجاد تردید در اصل «نابودی قطعی طرفین»^۲ بود. بر مبنای این اصل، آمریکا و شوروی نمی‌توانستند حمله هسته‌ای علیه دیگری را آغاز کنند؛ چرا که هرگونه حمله با توجه به واکنش طرف مقابل، به نابودی قطعی طرفین می‌انجامید (Hildreth, 2009: 1-3). به هر حال اعلام ریگان مبنی بر دستیابی به قدرت منهدم نمودن موشک‌های طرف مقابل، به معنای پایان اصل نابودی قطعی طرفین و در نتیجه، تردید در مورد توان بازدارندگی اتحاد

1. Strategic Defense Initiative
2. MAD (Mutual Assured Destruction)

جماهیر شوروی بود. به عبارت دیگر، آمریکا می‌توانست بدون تحمل آسیب جدی، به اتحاد جماهیر شوروی ضربات جدی هسته‌ای وارد سازد (Hildreth, 2009: 3-5).

البته بعدها مشخص شد، هرچند از نظر عملی، امکان ایجاد سپر دفاع موشکی وجود دارد، ولی برای ساخت چنین امکاناتی، زمان و هزینه مالی بسیاری نیاز است. به این دلیل، هرچند جمهوری خواهان در دهه ۱۹۹۰، خواهان پیگیری طرح ایجاد سپر دفاع موشکی بودند، اما به دلیل هزینه‌های بالای طرح و همچنین از بین رفتن تهدیدها با توجه به پایان جنگ سرد، انگیزه کمتری برای پیگیری این موضوع در جامعه امنیتی و نظامی آمریکا وجود داشت. در نتیجه همین روندها، از پایان جنگ سرد تا روی کار آمدن دولت نومحافظه کار بوش، موضوع ایجاد سپر دفاع موشکی در حاشیه مباحث و اولویت‌های امنیتی آمریکا قرار داشت. با وجود این، با روی کار آمدن بوش و مطرح شدن سیاست‌های جدیدی مانند «یکجانبه‌گرایی»، «دفاع پیشدستانه»^۲ و بالابردن امنیت آمریکا در برابر حمله‌های موشکی سایر کشورها، بار دیگر، زمینه برای بحث در مورد این موضوع مهیا شد (Hildreth, 2009: 6-8).

در این راستا، دولت بوش بارها اعلام نمود فضای امنیتی جهان به شدت تغییر نموده است؛ در نتیجه، دولت آمریکا نیازمند ایجاد سپر دفاع موشکی در قلب اروپا برای مقابله با تهدیدهای موشکی کشورهای دشمن آمریکاست. به همین دلیل، بوش ایجاد سپر دفاع موشکی در چک و لهستان را به عنوان اقدامی تدافعی در برابر تهدیدها مطرح نمود، که همین موضوع، از آن زمان تاکنون یکی از مهم‌ترین مباحث امنیتی در بین همه کشورهای اروپایی، روسیه و بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه بوده است.

گفتنی است که برخی از کشورهای اروپایی، ایجاد سپر دفاع موشکی آمریکا در چک و لهستان را نشانه‌ای از سیاست یکجانبه‌گرایی و حذف اروپا از سیاست خارجی آمریکا

1. Unilateralism
2. Preemptive Defence

ارزیابی می نمودند. روس ها نیز ایجاد سپر دفاع موشکی در چک و لهستان را تلاشی برای کاهش امنیت روسیه و در نتیجه، کاهش جایگاه این کشور در عرصه بین المللی می دانستند (U.S.-Russia Strategic Framework Declaration, 2008). به همین دلیل، رهبران این کشور به شدت مخالف ایجاد سپر دفاع موشکی یکجانبه آمریکا در اروپا بودند. تنش و اختلاف های روسیه و آمریکا بر سر این موضوع به اندازه ای بود که در آن زمان، بعضی از کارشناسان از «جنگ سرد جدید»^۱ صحبت نمودند؛ هرچند مقام های غربی، مخالف طرح چنین اصطلاح ها و عناوینی بودند (Europe Split Over ..., 9 November 2008).

دولت آمریکا در زمان بوش بدون توجه به مخالفت های روسیه و برخی از کشورهای اروپایی، به دنبال نهایی نمودن طرح ایجاد سپر موشکی در قلب اروپا بود. به همین دلیل در سال ۲۰۰۸، دولت بوش ۳۱۰ میلیون دلار برای اجرایی نمودن «دفاع میانی زمین پایه»^۲ در اروپا که از مهم ترین بخش های «سامانه دفاع موشکی بالستیک»^۳ است، اختصاص داد (U.S. Missile Defense..., 2006: 19). همچنین در راستای عملی شدن این هدف، دولت بوش در سال ۲۰۰۸ قراردادهایی را برای ایجاد سامانه های ردیابی و همچنین دفاع موشکی در لهستان و چک امضا نمود. بر اساس توافق با چک و لهستان، قرار شد که در سال ۲۰۱۳ سامانه دفاع هوایی آمریکا شروع به فعالیت نماید. همچنین بر مبنای برآوردهای انجام شده، هزینه نهایی این طرح، حدود چهار میلیارد دلار تخمین زده شد.

با وجود این توافق ها، با پایان دوره بوش و روی کار آمدن اوباما و در نتیجه، مطرح شدن دستور کارهای جدیدی مانند «چندجانبه گرایی»^۴ و بهبود روابط با کشورهای اروپایی و روسیه، فضا برای تغییر در سیاست های امنیتی آمریکا مهیا شد. از مهم ترین تغییرات در سیاست امنیتی آمریکا، تغییر رویکرد و سیاست این کشور در قبال ایجاد

1. New Cold War
2. Ground-Based Midcourse Defense (GMD)
3. Ballistic Missile Defense System (BMDS)
4. Multilateralism

سپر دفاع موشکی در اروپاست که در ادامه با توجه به اهمیت موضوع، مطالبی بیشتری در این زمینه ارائه می‌گردد.

۲. اوپاما و تغییر رویکرد آمریکا در زمینه سپر دفاع موشکی

همان‌طور که گفته شد، با پایان دوره هشت ساله جرج بوش و روی کار آمدن اوپاما، فضای امنیتی و سیاسی بین آمریکا، کشورهای اروپایی و روسیه تغییر کرد. اوپاما با طرح سیاست‌های مانند «چندجانبه‌گرایی» و بهبود روابط با روسیه و کشورهای اروپایی، احتمال تغییر در سیاست‌های امنیتی بوش، به‌ویژه در ارتباط با موضوع ایجاد سپر دفاع موشکی را مهیا نمود. البته اوپاما حتی پیش از به قدرت رسیدن، از جمله منتقدان سیاست یکجانبه بوش، به‌ویژه در مورد ایجاد سپر دفاع موشکی در چک و لهستان بود. به همین دلیل، وی در دوران مبارزه‌های انتخاباتی، بارها سیاست بوش در این زمینه را مورد انتقاد قرار داد. دولت اوپاما پس از به قدرت رسیدن نیز رویکردی متفاوت در این زمینه را در پیش گرفت. از جمله مهم‌ترین محورهای تغییر رویکرد اوپاما در این زمینه، تعلیق طرح ایجاد سپر دفاع موشکی در چک و لهستان، تلاش برای کسب حمایت بیشتر کشورهای اروپایی و روسیه و در نهایت، ارائه طرح ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه به جای چک و لهستان است که در ادامه، به این تغییرات اشاره می‌شود.

۲-۱. کنار گذاشتن طرح بوش

اوپاما اولین بار در سخنرانی که در دانشگاه نظامی و در حضور نظامیان در سال ۲۰۰۹ داشت، اولویت‌ها و تغییرات ایجاد شده در سیاست دفاع موشکی آمریکا را اعلام نمود. وی در این سخنرانی به روشنی اعلام کرد:

«سیاست پیشین آمریکا در قبال ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپا باید با توجه به منافع ملی، امنیت متحدان اروپایی و همچنین اولویت‌ها و نگرانی‌های روسیه، مورد بازبینی قرار گیرد، تا اجماع و حمایت بیشتری از اقدام‌های آمریکا در این زمینه انجام شود» (Gray, 15 January 2009: 1).

معنای تلویحی این سخنان، کنار گذاشتن طرح بوش و سیاست‌های یکجانبه وی در زمینه ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپا بود. به دنبال اعلام سیاست‌های جدید از سوی اوباما، در وب‌گاه (سایت) کاخ سفید نیز اعلامیه‌هایی گذاشته شد که خطوط تغییر سیاست آمریکا در این زمینه را بیشتر آشکار می‌کرد. برای نمونه، دولت اوباما در یکی از این اعلامیه‌های رسمی خود، ضمن حمایت از ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپا، خواستار بازبینی اساسی در سیاست آمریکا در این زمینه به‌ویژه با توجه به دو متغیر اصلی «هزینه - فایده»^۱ و همچنین «عملی شدن»^۲ گردید.

منظور از متغیر هزینه - فایده، در پیش گرفتن سیاست‌هایی در زمینه سپر دفاع موشکی است که منجر به کاستن پیامدهای منفی طرح، به‌ویژه در مورد اختلاف‌های آمریکا با کشورهای اروپایی و روسیه می‌شود. در مورد متغیر کارایی و عملی بودن نیز منظور، افزایش احتمال موفقیت طرح با افزایش اجماع بین کشورهای غربی و افزایش کارایی با توجه به شناسایی تهدیدهای واقعی و در نتیجه، انتخاب کشور مناسب برای میزبانی از تأسیسات و امکانات سپر موشکی است. از نظر دولت اوباما این متغیرها مواردی هستند که در گذشته کمتر مورد توجه دولت بوش قرار داشته‌اند. برای نمونه، بوش با سیاست یکجانبه‌گرایی و بدون توجه به منافع روسیه و کشورهای اروپایی به دنبال ساخت سپر دفاع موشکی در لهستان و چک بود، که این مسئله هزینه‌های فراوانی برای آمریکا به دنبال داشت، بنابراین آمریکا برای رهایی از این هزینه‌ها و

1. Cost and Benefit

2. Practicality

همچنین بالابردن کارایی طرح، باید به دنبال ایجاد اجماع از راه کسب حمایت روسیه و سایر کشورهای اروپایی باشد (Gray, 15 January 2009).

دولت اوپاما با توجه به این دو متغیر، سیاست‌های جدیدی در زمینه دفاع موشکی در پیش گرفت تا ضمن کاهش و از بین بردن مخالفت‌های روسیه و سایر کشورها، شرایط را برای عملی نمودن طرح سازد (Zadra, 2010: 14). در این راستا ابتدا دولت اوپاما، ایجاد سپر دفاع موشکی در چک و لهستان را تعلیق نمود و اعلام کرد به دنبال ایجاد تغییرات اساسی در این طرح است. به باور اوپاما تعلیق طرح بوش از چند جهت در راستای منافع آمریکاست. نخست اینکه، این کار باعث کاهش اختلاف‌های آمریکا با برخی از کشورهای اروپایی و روسیه می‌شود و فضا را برای ایجاد اجماع بیشتر مهیا می‌سازد. ضمن اینکه اوپاما اعلام نمود آمریکا باید به دنبال انتخاب کشوری باشد که نزدیکی بیشتری با محور تهدیدهای موشکی داشته باشد تا در عمل، کارایی طرح افزایش یابد.

برای عملی نمودن این تغییرات، دولت اوپاما تلاش نمود به جای طرح ایجاد سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا که در زمان بوش پیگیری می‌شد، به دنبال ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در کشور دیگری به غیر از چک و لهستان باشد. هدف از این کار، مشارکت بیشتر کشورهای اروپایی با طرح آمریکا و در نتیجه، ایجاد اجماع و حمایت بیشتر از طرح، عنوان شده است. از نظر دولت اوپاما، «طرح استقرار سپر دفاع موشکی ناتو» به جای طرح دولت بوش مبنی بر ایجاد سپر دفاع موشکی در چک و لهستان، نه تنها می‌تواند باعث همراهی کشورهای اروپایی با طرح گردد، بلکه هزینه‌های مالی گسترده آن را کاهش می‌دهد.

۲-۲. انتخاب ترکیه به عنوان کشور میزبان

همان‌گونه که گفته شد، اوپاما تغییراتی اساسی در سیاست آمریکا در زمینه ایجاد سپر دفاع موشکی ایجاد نمود. یکی از این تغییرات، تعلیق طرح ایجاد سپر دفاع موشکی

در چک و لهستان و تلاش برای انتخاب کشوری جدید برای میزبانی از تأسیسات دفاع هوایی ناتو بود. همین موضوع باعث ایجاد مباحث و پرسش‌های گسترده‌ای در بین کارشناسان اروپایی و آمریکایی در مورد بهترین گزینه در این زمینه شد. با وجود این، پس از مدتی مشخص شد که آمریکا، ترکیه را برای میزبانی از سپر دفاع موشکی ناتو انتخاب کرده است.

در این راستا، دولت آمریکا در سپتامبر سال ۲۰۰۹ اعلام نمود، برنامه‌ای ویژه برای بالا بردن توان دفاع هوایی ترکیه دارد. بخشی از برنامه آمریکا در این زمینه شامل فروش ۷/۸ میلیارد دلار تسلیحات دفاع هوایی برای بالابردن توان تدافعی ترکیه بود. از جمله اقلام نظامی این قرارداد، می‌توان به ۱۳ «واحد پرتاب موشک پاتریوت»^۱، ۷۲ «موشک پاک-۳»^۲ و همچنین سایر تأسیسات و امکانات دفاع هوایی اشاره نمود (Zalewski, 2010: 1).

با آشکار شدن قصد آمریکایی‌ها برای انتخاب ترکیه به‌عنوان میزبان سپر دفاع موشکی ناتو، بحث‌های گوناگونی بین کارشناسان مسائل نظامی و امنیتی شکل گرفت. برای نمونه، بیشتر کارشناسان و دولتمردان آمریکایی و اروپایی انتخاب ترکیه را یکی از بهترین گزینه‌های ممکن ارزیابی نموده‌اند. از جمله دلایل این افراد، نزدیکی ترکیه به عوامل تهدید، تأثیر این انتخاب بر سیاست خارجی ترکیه و همچنین کاهش نگرانی‌های روسیه عنوان شده است.

در مورد گزینه اول باید اشاره نمود که سران آمریکا و اروپا بارها هدف سپر دفاع موشکی خود را تهدیدهای موشکی دانسته‌اند که از سوی برخی کشورهای خاورمیانه در میان مدت، اروپا و در بلندمدت، آمریکا را تهدید می‌کند. به همین دلیل به باور آنها انتخاب ترکیه، با توجه به نزدیکی و همسایه‌بودن با کشورهای خاورمیانه، می‌تواند تأمین‌کننده منافع امنیتی بلندمدت غرب باشد (Crowley, 2010).

1. Patriot Fire Units
2. PAC-3 Missiles

دلیل دومی که طرفداران انتخاب ترکیه به آن اشاره می‌کنند، کاستن از نگرانی‌های روسیه و جلوگیری از مخالفت‌های سران کرملین با طرح ناتو است. همان‌گونه که اشاره شد، با توجه به پیامدهای منفی راهبردی ایجاد سامانه‌های دفاع موشکی یکجانبه آمریکا در چک و لهستان، روسیه بزرگ‌ترین مخالف طرح در زمان دولت بوش بود. به باور سران روسیه، انتخاب چک و لهستان و همچنین اقدام‌های یکجانبه آمریکا در این زمینه، نشانگر آن بود که مهم‌ترین هدف این طرح، روسیه است. در مقابل، اعلام تعلیق طرح ایجاد سپر دفاع موشکی آمریکا در چک و لهستان و انتخاب ترکیه به‌عنوان میزبان تأسیسات و سامانه‌های دفاعی ناتو، از میزان نگرانی‌های این کشور کاست. آمریکایی‌ها حتی برای کاهش نگرانی روس‌ها، احتمال مشارکت این کشور در طرح سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه را مطرح نمودند (Rose, 2010). با توجه به این موضوع‌ها، هرچند سران کرملین ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه را در راستای منافع خود نمی‌دانند؛ ولی آن را بهتر از طرح یکجانبه بوش ارزیابی نموده‌اند. برای نمونه، پوتین در هنگام طرح موضوع انتخاب ترکیه اعلام نمود در صورت پذیرش همکاری روسیه با طرح، مخالفتی با این موضوع ندارد (سوزاوغلو، ۲۰۱۰).

در مورد دلیل سوم نیز سران و کارشناسان اروپایی و آمریکایی به نتایج مثبت طرح در سیاست خارجی ترکیه اشاره می‌کنند. در این زمینه، مقام‌ها و کارشناسان آمریکایی و اروپایی معتقدند: انتخاب ترکیه به‌عنوان کشور میزبان سامانه‌های دفاعی ناتو، می‌تواند باعث تقویت روابط این کشور با غرب شود. گفتنی است که در چند سال گذشته، سیاست خارجی ترکیه به‌دلیل ناکامی در پیوستن به اتحادیه اروپا و تقویت اسلام‌گرایان در این کشور با تغییراتی همراه شده است که این امر اغلب برخلاف منافع کشورهای غربی بوده است. در اولویت قرار گرفتن سیاست خاورمیانه‌ای و بهبود روابط با جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه حمایت‌های گسترده ترکیه از حق ایران برای استفاده از

انرژی هسته‌ای در قالب اعلامیه سه‌جانبه با برزیل، از جمله تغییرات منفی سیاست خارجی ترکیه برای کشورهای غربی است (Barzegar, 2010).

ضمن اینکه در سال‌های اخیر روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی و آمریکا روند منفی داشته است. از جمله می‌توان به اقدام‌های کنگره آمریکا در محکومیت کشتار ارامنه توسط دولت عثمانی و مخالف ترکیه با استفاده از خاک این کشور برای حمله به عراق اشاره نمود. با توجه به این مسائل، کارشناسان غربی معتقدند انتخاب ترکیه به‌عنوان کشور میزبان سپردفاع موشکی ناتو، نه تنها می‌تواند باعث تقویت روابط این کشور با غرب شود، بلکه به روابط آن با کشورهای خاورمیانه آسیب‌های جدی وارد می‌سازد (Lesser, 23 November 2010).

به دلیل همین ویژگی‌های مثبت، در دو سال گذشته، مباحث گسترده‌ای بین مقام‌های ترکیه و سران ناتو به رهبری آمریکا انجام شد تا شرایط برای تأیید نهایی توافق‌ها فراهم شود. با وجود این، ترک‌ها پذیرش طرح را منوط به تأمین همه نظرات و شروط خود نمودند که در این ارتباط در بخش‌های بعدی، بیشتر بحث می‌شود (Geibel, 2010).

۱-۲-۲. شرط‌های ترکیه برای پذیرش طرح

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، دولت اوباما پس از سال ۲۰۰۹، سیاست‌هایی را در قبال ترکیه در پیش گرفت که نشانه تمایل این کشور برای ایجاد سپر دفاعی در خاک ترکیه بود. با وجود این، ترک‌ها بنا به دلایلی تا اجلاس لیسبون، موافقت خود را با طرح استقرار سامانه‌های دفاعی ناتو در خاک کشورشان اعلام نکردند. علت این امر، نگرانی آنها از پیامدهای منفی طرح، به‌ویژه در روابط با کشورهای خاورمیانه بود. به همین دلیل، ترک‌ها موافقت خود با ایجاد سپر دفاعی ناتو در خاک کشورشان را منوط به پذیرش چند شرط مهم نمودند که در نهایت، در اجلاس لیسبون با همه آنها موافقت

شد. با توجه به اهمیت این شروط و ارتباط آنها با امنیت جمهوری اسلامی ایران، در ادامه به شکل مجزا، در مورد هر کدام از آنها بحث خواهد شد.

(۱) عدم اشاره به کشورهای هدف

از جمله شروط ترکیه برای پذیرش طرح، عدم اشاره به کشور یا کشورهایی است که هدف برنامه‌ها هستند (Benitez, 2010). از این رو، در اجلاس لیسبون و حتی پیش از آن، نمایندگان این کشور بارها شرط اصلی موافقت خود با طرح ناتو را نام نبردن از کشورهای هدف طرح، بیان نمودند (NATO Advisory Group..., 2010:1.8). گفتنی است که ترک‌ها به دنبال ناامیدی در پیوستن به اتحادیه اروپا، برای افزودن بر اهمیت راهبردی کشورشان در مسائل بین‌المللی تلاش نموده‌اند خود را وارد معادلات منطقه خاورمیانه نمایند. برای نمونه، می‌توان به نقش رو به افزایش این کشور در اختلاف بین رژیم صهیونیستی و فلسطینیان یا گسترش روابط با جمهوری اسلامی اشاره نمود. به همین دلیل، ترک‌ها نگران آن هستند که موافقت با طرح سپر دفاعی ناتو، باعث آسیب رسیدن به سیاست این کشور در رابطه با کشورهای منطقه شود. به عبارت دیگر، ترک‌ها می‌خواهند ضمن استفاده از مزایای طرح و در نتیجه، گسترش تعامل‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی با غرب، نقش برجسته خود در منطقه خاورمیانه را حفظ کنند (Xuequan, 2010).

به هر حال، در اجلاس لیسبون، مذاکره‌های فشرده‌ای بین مقام‌های ترکیه و آمریکا انجام شد که در نهایت، آمریکا و سایر سران ناتو پذیرفتند از کشوری خاص به‌عنوان هدف طرح، نام نبرند. به همین دلیل در سند نهایی اجلاس، که ارائه‌دهنده راهبرد و چشم‌انداز ۱۰ ساله ناتو می‌باشد، از کشوری خاص به‌عنوان هدف سپر دفاع موشکی نام برده نشده است و شرط مقام‌های ترکیه در این زمینه تأمین شده است (Active Engagement, Modern Defence, 2010).

(۲) پوشش همه خاک ترکیه

شرط دوم ترکیه برای موافقت با ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو، پوشش همه خاک این کشور در زیر چتر دفاعی این سامانه و همچنین مشارکت در ایجاد و در نهایت، فرماندهی سامانه است. ترک‌ها معتقدند با توجه به هزینه‌هایی که طرح ناتو برای این کشور دارد، باید مزایا و پاداش‌های گسترده‌ای برای این کشور در نظر گرفته شود. به باور ترک‌ها، تضمین امنیت همه خاک ترکیه در برابر هرگونه حمله هوایی و موشکی و همچنین مشارکت افسران این کشور در مدیریت سامانه دفاعی، کمترین پاداشی است که سران ناتو باید برای این کشور در نظر بگیرند. به همین دلیل، در مذاکرات لیسبون بحث بسیار جدی در این زمینه بین رهبران ترکیه و اوپاما انجام شد که در نهایت، اوپاما پذیرفت سامانه‌های دفاعی ناتو همه خاک ترکیه را پوشش دهند.

ضمن اینکه سران ناتو در اجلاس لیسبون موافقت نمودند که افسران ترکیه فرماندهی بخش‌های از سامانه دفاع هوایی را برعهده گیرند. البته در این ارتباط بحث‌های گسترده‌ای انجام شده است و مشخص نیست تا چه اندازه‌ای افسران ترک در فرماندهی سامانه‌ها نقش خواهند داشت (Patel, 2010). برای نمونه در حالی که مقام‌های ناتو از فرماندهی بخش‌های از سامانه توسط افسران ترک صحبت نموده‌اند، بسیاری از رسانه‌ها بر مبنای اطلاعاتی که از مذاکره‌های محرمانه سران ناتو و مقام‌های ترکیه دریافت کرده‌اند، اعلام نموده‌اند که قرار است فرماندهی ارشد سامانه بر عهده یک افسر ترک باشد. بسیاری از رسانه‌های رژیم صهیونیستی از فرماندهی ترک‌ها بر کل سامانه خبر داده‌اند (www.debka.com, 2010).

(۳) عدم انتقال اطلاعات به کشورهای غیرعضو

شرط سوم ترکیه برای پذیرش طرح ناتو، عدم انتقال اطلاعات و داده‌های نظامی به کشورهای غیرعضو ناتو است. منظور ترکیه از این شرط، عدم انتقال اطلاعات و

داده‌های گردآوری شده به وسیله سامانه‌ها به کشورهای غیرعضو به‌ویژه رژیم صهیونیستی است. هدف ترکیه از طرح این شرط، کاستن از نگرانی‌های کشورهای منطقه خاورمیانه در مورد احتمال انتقال اطلاعات نظامی‌شان به این رژیم است. به عبارتی، ترکیه ضمن پذیرش طرح ناتو می‌خواهد از پیامدهای منفی این طرح به‌ویژه در روابطش با کشورهای منطقه خاورمیانه بکاهد.

به هر حال در اجلاس لیسبون، پس از مذاکرات گسترده موافقت شد که اطلاعات گردآوری شده به کشورهای غیرعضو منتقل نشود. همچنین ترکیه توانست با پذیرش طرح ایجاد سپر دفاع موشکی، امتیازاتی از طرف غربی دریافت نماید. برای نمونه، ترکیه با بیان این نکته که تعهد این کشور به ناتو باید با پذیرش این کشور در اتحادیه اروپا همراه شود، توانست این موضوع را در سند نهایی اجلاس بگنجاند. در این راستا، در سند پایانی به کشورهای اروپایی مانند ترکیه اشاره شده است که در ناتو مشارکت فعالی دارند، اما هنوز به عضویت اتحادیه اروپا در نیامده‌اند. بر این اساس در سند پایانی به شکل تلویحی به ترکیه قول مساعدت و تسریع در فرایند عضویت در اتحادیه اروپا داده شده است (Active Engagement, Modern Defence, 2010).

همچنین در اجلاس لیسبون قرار شد که سامانه‌های دفاعی، همه خاک ترکیه و سایر کشورها عضو را پوشش دهد که با اعلام این موضوع، شرط دیگر ترکیه نیز تأمین شد. در نهایت، سران ناتو پذیرفتند که کارشناسان و افسران ترک نیز در پروژه‌ها نقش داشته باشند و ترکیه در هدایت برنامه در سطوح بالا نیز مشارکت داشته باشد. به همین دلایل، «عبدا... گل»، رئیس‌جمهور ترکیه، بدون اشاره به پیامدهای منفی طرح در سطح منطقه، سند پایانی اجلاس لیسبون را تأمین‌کننده منافع کشورش دانست. وی عدم بیان کشوری خاص به‌عنوان هدف ایجاد سپر دفاعی را موفقیتی مهم برای کشورش دانست (سخنان رئیس‌جمهور ترکیه در حاشیه اجلاس لیسبون، ۲۰۱۰).

۲-۳. نهایی شدن طرح در اجلاس لیسبون

کارشناسان مسائل نظامی و امنیتی بنا به دلایلی، اجلاس لیسبون را از جمله اجلاس‌های تاریخی و مهم در تاریخ ناتو ارزیابی نموده‌اند. علت اهمیت اجلاس لیسبون آن است که در آن، راهبردهای ناتو در دفاع از کشورهای عضو برای ۱۰ سال آینده، مورد توافق اعضا قرار گرفته است. گفتنی است که بخش مهمی از راهبردهایی که در سند نهایی مطرح شده است، در واقع، انعکاسی از تغییرات سیاست دفاعی آمریکا در دوران اوباما، به ویژه در زمینه ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپا می‌باشد. همان‌طور که پیش از این گفته شد، دولت اوباما با هدف کاستن از مخالفت‌های روسیه و همراه نمودن بیشتر کشورهای اروپایی، طرح ایجاد سپر دفاعی ناتو را در یکی از کشورهای عضو مطرح نمود. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین محورهای اجلاس سران ناتو در لیسبون، موضوع اضافه شدن دفاع موشکی به عنوان یکی از «مفاهیم جدید راهبردی ناتو»^۱ بود. در نهایت، کشورهای عضو توافق نمودند، یکی از وظایف جدید ناتو، ایجاد سازوکارهایی برای دفاع در برابر حملات موشکی باشد (Patel, 2010). در این ارتباط، در متن نهایی اجلاس لیسبون، آمده است:

«مسئولیت بزرگ اتحاد آن است که از قلمرو و جمعیت کشورهای عضو در برابر حملات دشمنان، همان‌گونه که در ماده ۵ «پیمان واشنگتن»^۲ آمده است، حفاظت و دفاع

نماید» (NATO, Strategic Concept for..., 2010).

بر این مبنای، در اجلاس لیسبون دفاع موشکی در برابر حمله‌های هوایی، یکی از نمادهای دفاع دسته‌جمعی در قالب ماده ۵ ناتو محسوب شد. در متن نهایی نیز به روشنی در زمینه سامانه دفاع موشکی عنوان شده است:

1. NATO's New Strategic Concept
2. Washington Treaty

«کشورهای عضو ناتو، توسعه توانایی‌ها برای مقابله با تهدیدات موشک‌های بالستیک علیه جمعیت و سرزمین‌های عضو را به عنوان محوری‌ترین عنصر دفاع جمعی در دوران جدید می‌دانند. این امر باید یکی از وظایف جدید ناتو در قرن بیست‌ویکم باشد تا کشورهای عضو مورد حملات موشکی قرار نگیرند» (NATO, Strategic Concept for..., 2010).

با توجه به طرح این مباحث در سند پایانی، باید گفت به احتمال فراوان در آینده نزدیک، اقدام‌هایی جدی در راستای عملی شدن توافق‌های لیسبون، به‌ویژه در زمینه ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه برداشته خواهد شد. ضمن اینکه آمریکا و اروپا از پیش، برنامه‌هایی برای ایجاد سپر دفاعی در اروپا داشته‌اند، که همین مسئله، شرایط را برای تسریع در فرایند ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه مهیاتر می‌کند. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، آمریکا در زمان بوش، اقدام‌های مهمی برای ایجاد سپر دفاعی در چک و لهستان انجام داده بود؛ ضمن اینکه کشورهای اروپایی نیز به شکل ملی، دسته‌جمعی و یا حتی در قالب ناتو، برنامه‌هایی برای دفاع هوایی داشته‌اند. برای نمونه می‌توان به «سامانه دفاع موشکی بالستیک فعال در فضای بالای ناتو»^۱ و «سامانه دفاع هوایی متوسط»^۲ که برنامه مشترک آلمان، ایتالیا و آمریکا می‌باشد، اشاره نمود (McNamara and Spring, 20 November 2010:1).

۳. دیدگاه رژیم صهیونیستی در مورد سامانه دفاع موشکی

سیاستمداران و دولتمردان آمریکایی یکی از هدف‌های ایجاد سامانه‌های دفاع هوایی ناتو در خاک ترکیه را دفاع در برابر حمله‌های موشکی برخی کشورهای خاورمیانه و در نتیجه، تأمین امنیت رژیم صهیونیستی معرفی نموده‌اند. به همین دلیل، مقام‌های رژیم صهیونیستی انتظار فراوانی از اجلاس سران ناتو در لیسبون داشتند تا منافع راهبردی آنها را به شکل کامل تأمین نماید. با وجود این، با اعلام راهبرد ۱۰ ساله ناتو در لیسبون،

1. NATO's Active Layered Theater Ballistic Missile Defense System

2. Medium Extended Air Defense System

مقام‌های این رژیم ناراحتی خود را از نتایج اجلاس بیان نمودند. در این زمینه می‌توان به اطلاعات وب‌گاه «دبکا فایل»، که از وب‌گاه‌های رسمی وابسته به رژیم صهیونیستی است، اشاره نمود. این وب‌گاه با اعتراض نسبت به موافقت باراک اوباما برای حذف نام ایران از سند پایانی به عنوان مهم‌ترین کشور هدف طرح، اجلاس لیسبون را شکستی بزرگ برای رژیم صهیونیستی ارزیابی نموده است.

در این راستا، «دبکا فایل» با انتقاد گسترده از سیاست آمریکا در اجلاس لیسبون که منجر به پذیرش همه‌شروط ترکیه شد، اظهار داشت: «ایجاد سپر دفاع هوایی در ترکیه نمی‌تواند تضمینی برای دفاع از رژیم صهیونیستی در برابر تهدیدهای هسته‌ای و موشکی کشورهای خاورمیانه باشد». بر مبنای تحلیل این وب‌گاه، ایجاد سامانه‌های دفاعی در خاک ترکیه با توجه به تیرگی روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه و همچنین گسترش روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران، نمی‌تواند منجر به افزایش امنیت این رژیم گردد. افزون بر این، رژیم صهیونیستی معتقد است موافقت آمریکا با عدم انتقال اطلاعات نظامی سامانه به کشورهای غیرعضو و همچنین فرماندهی افسران ترک بر تمامی روندها، نشانه عدم توجه جدی آمریکا نسبت به امنیت رژیم صهیونیستی است (www.debka.com, 2010).

گفتنی است که یکی از مهم‌ترین اقدام‌های دولت آمریکا برای تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و در نتیجه، جلوگیری از اقدام‌های تهاجمی این کشور علیه سایر کشورهای خاورمیانه، تلاش برای ایجاد سامانه‌های دفاعی موشکی ناتو در خاک ترکیه است. در این راستا، مقام‌های آمریکایی بارها اظهار نموده‌اند، هرگونه اقدام تهاجمی از سوی رژیم صهیونیستی، با توجه به شرایط کنونی منطقه، می‌تواند منجر به بغرنج شدن شرایط امنیتی گردد. به همین دلیل، دولت آمریکا از زمان روی کار آمدن دولت اوباما به دنبال افزایش توان دفاعی رژیم صهیونیستی در برابر موشک‌های بالستیک حامل یا غیرحامل تسلیحات کشتار

جمعی بوده است تا با تضمین امنیت این رژیم، مانع از اقدام‌های تهاجمی آن علیه برخی از کشورهای منطقه گردد (Eiland, 2010 and Reiss, 2010 and Simon, 2010 and Pollack, 2010).

با توجه به این موضوع، ایجاد سامانه‌های دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه یکی دیگر از اقدام‌های تضمین‌دهنده آمریکا به رژیم صهیونیستی است. با وجود این، مقام‌ها و کارشناسان رژیم صهیونیستی، هرچند ایجاد سامانه‌های دفاع موشکی در منطقه خاورمیانه را اقدامی مثبت ارزیابی نموده‌اند، ولی اعلام کرده‌اند با توجه به پذیرش شروط ترکیه، در عمل، تمامی مزایای این طرح از بین رفته است.

گفتنی است که فقط وب‌گاه‌ها و منابع وابسته به رژیم صهیونیستی نیستند که توافق‌های به‌دست آمده در لیسبون را عاملی برای افزایش امنیت رژیم صهیونیستی ارزیابی نکرده‌اند، بلکه بسیاری از کارشناسان نظامی و امنیتی، پذیرش شروط ترکیه توسط سران ناتو را عاملی منفی در کاهش ارزش سامانه‌های دفاع موشکی برای رژیم صهیونیستی دانسته‌اند. برای مثال «اولین گوردن»^۱ که از جمله کارشناسان برجسته مسائل نظامی و امنیتی است، توافق ناتو و ترکیه را شکستی بزرگ برای سیاست رژیم صهیونیستی دانسته است. وی موافقت اواما با عدم انتقال اطلاعات و داده‌های نظامی به کشورهای غیرعضو را مهم‌ترین جنبه منفی اجلاس لیسبون برای رژیم صهیونیستی دانسته است. به باور وی، منظور دقیق این شرط، عدم انتقال اطلاعات و داده‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران به رژیم صهیونیستی و در نتیجه، تداوم نگرانی‌های امنیتی این رژیم است.

گفتنی است که نمایندگان رژیم صهیونیستی همه تلاش خود را پیش و در خلال اجلاس لیسبون نمودند تا ایران به‌عنوان مهم‌ترین هدف ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه معرفی شود. افزون بر این، رژیم صهیونیستی خواهان آن بود که در متن نهایی ناتو، هیچ محدودیتی در زمینه انتقال اطلاعات به کشورهای غیرعضو گنجانده نشود. با

1. Evelyn Gordon

وجود این، با تلاش ترکیه، در نهایت، نامی از ایران یا کشورهای دیگر به عنوان هدف سامانه دفاعی در سند نهایی برده نشد. از این رو بیشتر کارشناسان، رژیم صهیونیستی را به عنوان یکی از بازندگان اصلی توافق‌های ناتو و ترکیه در اجلاس لیسبون معرفی نموده‌اند (Gordon, 2010).

۴. سایر سامانه‌های موشکی آمریکا در منطقه

افزون بر تلاش برای ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه، دولت اوپاما در چند سال گذشته تلاش داشته است تا توان دفاعی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و همچنین رژیم صهیونیستی را تقویت نماید. البته شروع این تلاش‌ها از زمان دولت بوش آغاز شد، با وجود این، در دوران بارک اوپاما همچنان تقویت دفاع هوایی و همچنین تسلیحاتی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در اولویت آمریکا قرار داشته است. با توجه به اهمیت این موضوع، در این بخش به بررسی اقدام‌های انجام شده آمریکا با هدف تقویت توان دفاع هوایی و دفاع عمومی کشورهای عربی خلیج فارس و همچنین رژیم صهیونیستی پرداخته می‌شود، که در برخی موارد به شکل موازی و هماهنگ انجام شده است.

گفتنی است که فرایند تقویت توان دفاع هوایی کشورهای خلیج فارس و رژیم صهیونیستی، از زمان اعلام برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و با بزرگنمایی‌هایی که دولت بوش در این زمینه انجام می‌داد، آغاز شد. در واقع دولت بوش در زمینه تهدیدهای منطقه‌ای، به ویژه در مورد مسئله گسترش تسلیحات هسته‌ای و همچنین توان موشکی در منطقه خاورمیانه، بزرگنمایی می‌کرد تا فضا برای اجرای برنامه‌های دولت آمریکا در این زمینه فراهم شود. البته کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی نیز به شدت مشتاق گسترش سامانه دفاع موشکی در سطح منطقه بوده و هستند، در نتیجه این امر، دولت آمریکا «سیاست سه‌جانبه‌ای» را

برای تقویت توان دفاع موشکی کشورهای منطقه در برابر تهدیدهای موشکی در اولویت قرار دارد (Sanger and Schmitt, 2010). سیاست سه‌جانبه آمریکا در این زمینه، شامل تلاش برای فروش سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته به کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، گسترش توان دفاع هوایی ناوهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس و همچنین ایجاد سامانه دفاعی مشترک در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی می‌شود که از زمان دولت بوش آغاز و در دولت اوباما همچنان ادامه دارد.

البته اولین بار سیاست سه‌جانبه آمریکا در سخنرانی ژنرال «دیوید پترائوس» فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا در «مؤسسه مطالعات جنگ» وابسته به وزارت دفاع آمریکا مطرح شد. در این سخنرانی، ژنرال پترائوس به صراحت جزئیاتی از سامانه ضد موشکی در منطقه خلیج فارس را فاش کرد. وی اعلام کرد که این سامانه شامل دو کشتی گشتزنی با تجهیزات ویژه در خلیج فارس و استقرار دو سامانه دفاعی در هر یک از کشورهای قطر، امارات، بحرین و کویت خواهد بود. پس از طرح این موضوع، دولت آمریکا دو «کشتی جنگی ایجیس» با توان دفاع هوایی در برابر موشک‌های بالستیک را به منطقه خلیج فارس اعزام نمود (Missile Defense in the..., 31 January 2010).

افزون بر این، به دنبال موافقت کویت، قطر، بحرین و امارات، دولت آمریکا تصمیم گرفت «سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت»^۱ خود را در این کشورها مستقر نماید. البته برخی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ایجاد سامانه دفاع موشکی پاتریوت و همچنین استقرار کشتی‌های جنگی دارای سامانه دفاع هوایی پیشرفته ایجیس را برای محافظت از خود کافی ندانسته‌اند. برای مثال، امارات متحده عربی در چند سال گذشته، بارها خواهان حمایت‌های بیشتر آمریکا از امنیت کشورهای عربی در مقابله با تهدیدهای موشکی و هسته‌ای شده است. به دنبال این مسئله، دولت بوش در یک توافق مهم با امارات، موافقت نمود، سامانه‌های دفاعی پیشرفته‌تری به این کشور فروخته شود.

1. Patriot Missiles Defence System

بر اساس این توافق، قرار شد سامانه بسیار پیشرفته دفاع هوایی «تاد» به قیمت ۷ میلیارد دلار تحویل این کشور داده شود. این سامانه که عنوان کامل آن «پایانه دفاع منطقه‌ای با ارتفاع زیاد»^۱ می‌باشد، دارای توانایی بالایی در مقابله با حمله‌های موشکی است، به همین دلیل خرید آن برای امارات از اهمیت فراوانی برخوردار بود (Moran, 2010).

ضمن اینکه، ایالات متحده آمریکا در چند سال گذشته، به شدت به دنبال تقویت توان دفاعی رژیم صهیونیستی بوده است. به همین دلیل، دولت آمریکا با ارسال سامانه‌های دفاع هوایی، توان این رژیم را در مقابله با تهدیدهای موشکی بالا برده است. مهم‌ترین اقدام آمریکا در این زمینه، تلاش برای ایجاد سامانه‌ای دفاعی در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی می‌باشد. در این ارتباط در سال ۲۰۱۰ اعلام شد، دولت آمریکا با آگاهی از ناتوانی سامانه‌های دفاع موشکی خود در منطقه خاورمیانه، به دنبال ایجاد سامانه دفاعی جدید و کارآمد است. بر اساس جزئیات منتشر شده، قرار است بخش‌های مختلف این سامانه با هدف افزایش کارایی، در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی نصب شود.

تفاوت این سامانه با دیگر سامانه‌های آمریکا در منطقه، در گستردگی پوشش و میزان قدرت دفاعی است. سامانه‌های ضد موشکی پاتریوت امارات، کویت، قطر و بحرین، تنها توانایی دفاع از این کشورها در برابر حمله‌های موشکی محدود را دارند. در مقابل، سامانه جدیدی که قرار است در رژیم صهیونیستی و یکی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نصب شود، کل منطقه را در برابر تهدیدهای موشکی پوشش خواهد داد. البته بعضی از کارشناسان با توجه به نزدیکی کشورهای حاشیه خلیج فارس به تهدیدهای ادعایی، کارایی این سامانه‌ها را در دفاع از این کشورها چندان قابل اعتماد ارزیابی نکرده‌اند. به باور این افراد، هدف اصلی ایجاد این سامانه مشترک، فقط دفاع از رژیم صهیونیستی و نه کشورهای عربی است. به هر حال قرار است پس از نهایی شدن

1. Terminal High Altitude Area Defense (THAAD)

سامانه‌های دفاعی در رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، همگی آنها با همدیگر و همچنین با دو کشتی آمریکایی مستقر در خلیج فارس هماهنگ شوند تا کارآیی آنها در برابر تهدیدها بالاتر رود (Carey, 2010).

با وجود همه این اقدام‌ها، سران رژیم صهیونیستی تلاش‌های آمریکا در راستای تقویت توان دفاعی خود و حتی ارسال رادارهای فوق پیشرفته «ایکس-باند»^۱ را کافی ندانسته و به دنبال تقویت بیشتر توان دفاع هوایی خود بوده‌اند (Putrich, 2010). در این راستا، «ایهود باراک» چندی پیش اعلام نمود رژیم صهیونیستی موفق به ساخت سامانه دفاعی پیشرفته‌ای با عنوان «گنبد آهنین»^۲ شده است که از کارآیی خوبی برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای برخوردار است. البته هدف این سامانه، مقابله با تهدیدهای موشکی کوتاه‌برد و میان‌برد حزب‌الله و حماس عنوان شده است. به عبارت دیگر، این سامانه توانایی مقابله با موشک‌های بالستیک دوربرد را ندارد (Israel Embarks on a..., 2010).

۵. پیامدهای سامانه‌های دفاع موشکی بر امنیت ج.ا. ایران

در رابطه با تمایل و تلاش‌های کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی و آمریکا برای افزایش توان دفاع موشکی در سطح خاورمیانه، رویکردهای متفاوت و در برخی موارد، متضادی وجود دارد. در واقع، بر اساس اینکه تا چه میزان تهدیدهای موشکی در خاورمیانه جدی هستند، تحلیل‌های متفاوتی در مورد انگیزه بازیگران منطقه‌ای و آمریکا برای گسترش سامانه‌های موشکی در سطح منطقه ارائه شده است. برای نمونه، برخی از کارشناسان باوری به وجود تهدیدهای موشکی در سطح منطقه ندارند؛ در نتیجه، بزرگ‌نمایی تهدیدهای موشکی، به‌ویژه در مورد جمهوری اسلامی ایران را با هدف ایجاد فضای امنیتی در سطح منطقه و فراهم نمودن شرایط برای فروش تسلیحات

1. X-Band Radar

2. Dom Iron

آمریکایی ارزیابی نموده‌اند. این کارشناسان بر این باورند که توان موشکی و دفاعی ایران در راستای هدف‌های دفاعی است؛ بنابراین ضرورتی برای خرید سامانه‌های دفاعی در سطح منطقه وجود ندارد. حتی برخی از این کارشناسان، نصب سامانه‌های دفاع هوایی در کشورهای عربی خلیج فارس را نه با هدف تأمین امنیت این کشورها، بلکه در راستای تقویت توان بازدارندگی رژیم صهیونیستی ارزیابی نموده‌اند. بر اساس استدلال این افراد، فاصله بسیار کم کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایران، کارایی سامانه‌های دفاع هوایی را به شدت کاهش می‌دهد. در نتیجه، هدف آمریکا از فروش سامانه‌های دفاعی، فقط جذب دلارهای نفتی و در نتیجه، کاهش فشار بحران مالی بر اقتصاد آمریکا است (علایی، ۱۳۸۹).

در مقابل، برخی از کارشناسان با جدی گرفتن تهدیدهای موشکی و هسته‌ای، تلاش آمریکا برای افزایش توان بازدارندگی کشورهای عربی خلیج فارس و رژیم صهیونیستی را در راستای تأمین امنیت این کشورها و در نتیجه، ایجاد بازدارندگی در برابر ایران دانسته‌اند. در این زمینه، بسیاری از کارشناسان غربی مانند «روی تکیه»^۱ و «جیمز لیندسی»^۲ با واقعی دانستن تهدید به‌ویژه تهدید ایران، خواهان انجام اقدام‌هایی گسترده از سوی آمریکا با هدف ایجاد بازدارندگی در برابر جمهوری اسلامی شده‌اند. در این زمینه، «روی تکیه» و «جیمز لیندسی» در مقاله‌ای ضمن تأکید بر جدی بودن توان موشکی و هسته‌ای ایران، از دولتمردان آمریکا خواسته‌اند خود را برای زندگی با ایران اتمی آماده کنند. در این راستا، این دو، بهترین اقدام در برابر ایران دارای توان موشکی و هسته‌ای را ایجاد بازدارندگی از راه ایجاد سامانه‌های دفاع هوایی در اطراف آن و تقویت توان دفاع متعارف رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی دانسته‌اند. بر اساس این تحلیل، یکی از مهم‌ترین هدف‌های آمریکا از ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در خاک

1. Ray Takeyh
2. James M. Lindsay

ترکیه و همچنین مهم‌ترین هدف ایجاد سامانه‌های دفاع هوایی در خلیج فارس، ایجاد بازدارندگی در برابر توان موشکی و هسته‌ای ایران است (Lindsay and Takeyh, 2010).

تحلیل دیگر در این زمینه که مشابه و موازی با تحلیل بالاست، متعلق به کارشناسانی چون «گیورا ایلند»^۱، «کنت پولاک»^۲ و «استیون سیمون»^۳ است. بر مبنای این تحلیل، یکی از هدف‌های آمریکا در ایجاد سامانه‌های دفاعی در محیط امنیتی ایران، تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و در نتیجه جلوگیری از بروز جنگی جدید در سطح منطقه، با توجه به پیامدهای منفی این اقدام برای آمریکاست. این کارشناسان معتقدند که آمریکا با توجه به مسائل و مشکلات داخلی و همچنین گرفتاری‌ها در عراق و افغانستان، مخالف هرگونه اقدام تهاجمی رژیم صهیونیستی است. به همین دلیل، دولت آمریکا برای جلوگیری از اقدام‌های این رژیم تلاش دارد به هر شکل ممکن بر میزان امنیت آن در برابر تهدیدهای ادعایی بیفزاید (Simon, 2009). برای مثال، مقام‌های آمریکایی بارها یکی از مهم‌ترین هدف‌های ایجاد سامانه‌های دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه و همچنین مهم‌ترین هدف ایجاد سامانه‌های دفاع هوایی در کشورهای عرب خلیج فارس را تأمین امنیت رژیم صهیونیستی عنوان نموده‌اند (Reiss, 2010).

به هر حال فارغ از تحلیل‌های متفاوتی که در مورد علل گسترش سامانه‌های دفاعی آمریکا در منطقه وجود دارد، مسئله مهم آن است که اصل این موضوع به هیچ عنوان با منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران سازگار نیست. در مورد ایجاد سامانه‌های دفاعی ناتو که بنا به خواست آمریکا قرار است تا چندی دیگر در ترکیه ایجاد شود باید گفت، این سامانه‌های پیشرفته دارای توانایی بالای پایش و در نتیجه گردآوری اطلاعات نظامی کشورهای منطقه است، که این امر در راستای منافع جمهوری اسلامی و حتی کشورهای عربی منطقه نیست. به عبارت دیگر، با ایجاد سامانه‌های نظامی ناتو در ترکیه،

1. Giora Eiland
2. Kenneth Pollack
3. Steven Simon

کشورهای ناتو می‌توانند روندها و فعالیت‌های نظامی کشورهای منطقه، به‌ویژه جمهوری اسلامی را تحت نظارت بیشتری درآورند.

در واقع به دلیل همین نگرانی بود که ترکیه با هدف جلوگیری از پیامدهای منفی طرح ناتو بر روابطش با کشورهای خاورمیانه به ویژه با جمهوری اسلامی، مخالف انتقال اطلاعات گردآوری شده توسط سامانه به کشورهای غیرعضو بود.

البته باید اشاره نمود، هرچند این اقدام از میزان نگرانی کشورهای منطقه کاسته است، ولی گردآوری اطلاعات نظامی کشورهای منطقه به وسیله سامانه‌های دفاعی ناتو در خاک ترکیه و ارسال آن به کشورهای عضو ناتو که اغلب مانند آمریکا دارای روابط نزدیک نظامی و سیاسی با رژیم صهیونیستی هستند، در راستای منافع کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی ایران نیست.

از سوی دیگر، ایجاد سامانه‌های دفاع هوایی ملی و همچنین مشترک در میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی نیز دارای پیامدهای منفی امنیتی در سطح منطقه است. اولین مسئله در این ارتباط، به پیامدهای منفی ورود تسلیحات نظامی به خاورمیانه برمی‌گردد. تجربه تاریخی خریدهای نظامی کشورهای منطقه خاورمیانه نشان داده است که خرید گسترده تسلیحات نظامی، کمک چندانی به افزایش امنیت آنها نکرده و حتی در برخی موارد شرایط امنیتی را وخیم‌تر نموده است. بر این اساس، واردات تجهیزات نظامی و سامانه‌های دفاع هوایی پیشرفته آمریکا می‌تواند باعث ایجاد فضای بی‌اعتمادی بیشتر و در نتیجه، رقابت نظامی و سیاسی گسترده در سطح منطقه گردد.

افزون بر این، بر مبنای توافقات جدید بین آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای منطقه، قرار است که سامانه‌های دفاعی مشترکی در رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی ایجاد شود که این امر منجر به نزدیکی امنیتی این کشورها می‌گردد. ضمن اینکه وجود سامانه‌های دفاع هوایی مجهز به موشک پاتریوت در کشورهای

عربی، خود به خود می‌تواند منجر به افزایش امنیت رژیم صهیونیستی در برابر تهدیدها شود. همچنین وجود این سامانه‌ها در منطقه، منجر به افزایش نقش و نفوذ نیروهای آمریکایی در میان کشورهای عربی خواهد شد، که در حال حاضر نیز به گستردگی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حضور دارند. در نهایت، اینکه هرچند تردیدهایی در مورد توان دفاعی این سامانه‌ها وجود دارد، با این حال، گسترش سامانه‌های دفاع هوایی که توان مقابله با موشک‌های میان‌برد و بلندبرد را دارند، باعث تضعیف بازدارندگی کشورهای در منطقه می‌شود که دارای توان خوبی در این زمینه هستند.

نتیجه‌گیری

در چند سال گذشته، تحولات مهمی در سیاست دفاعی آمریکا در قبال منطقه خاورمیانه ایجاد شده است، که محور آنها، تلاش برای افزایش توانایی دفاع هوایی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در برابر توان موشکی جمهوری اسلامی ایران بوده است. بر این مبنای، ارسال سامانه‌های دفاع هوایی مجهز به موشک‌های پاتریوت به چهار کشور کویت، عربستان، امارات و بحرین و همچنین ارسال سامانه‌های ردیابی و انهدام موشک به رژیم صهیونیستی، تنها بخشی از برنامه‌های اعلانی دولت آمریکا در این زمینه بوده است. همچنین آمریکا تلاش نموده با حضور بیشتر نظامی و به‌ویژه ارسال کشتی‌های جنگی دارای سامانه‌های دفاع هوایی، شرایط امنیتی منطقه را به سود خود و متحدانش تغییر دهد.

از سوی دیگر، دولت اوباما برای کاستن از مخالفت‌های روسیه با طرح سپر دفاع موشکی در اروپا و همچنین همراه نمودن بیشتر کشورهای اروپایی، طرح ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه به جای سپر دفاعی آمریکا در چک و لهستان را مطرح نموده است. همان گونه که گفته شد، طرح آمریکا با توجه به مزایایی که برای

کشورهای اروپایی دارد، باعث کسب حمایت گسترده این کشورها و همچنین کاهش مخالفت روسیه شده است. در نتیجه با توجه به اجماعی که بین کشورهای غربی وجود دارد، در آینده نزدیک، طرح دفاعی آمریکا در ترکیه عملی خواهد شد که این امر به تقویت توان بازدارندگی کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی خواهد انجامید.

با توجه به این موضوعها، تلاش واشنگتن برای گسترش انواع سامانه‌های دفاع هوایی در پیرامون ایران و درگیر نمودن کشورهای بیشتری (کشورهای عضو ناتو، کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی) با طرح‌های آمریکا، نمی‌تواند در راستای منافع امنیتی کشور باشد. از این نظر، کاهش بازدارندگی، حضور بیشتر نیروهای آمریکایی در ترکیه و کشورهای عربی منطقه، پیچیده‌تر شدن مسائل امنیتی، افزایش همکاری بین رژیم صهیونیستی، آمریکا و کشورهای عربی و ایجاد فضای بی‌اعتمادی بیشتر در منطقه، تنها بخش محدودی از پیامدهای منفی اقدام‌های آمریکا محسوب می‌شود.

Archive of SID

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. سخنان رئیس جمهور ترکیه در حاشیه اجلاس لیسبون (۲۰۱۰)، قابل دسترس در:
<http://www.trtpersian.com/trtworld/fa/newsDetail.aspx>
۲. سوزاوغلو، گوکترک توی (۲۰۱۰)، روابط ترکیه و آمریکا و سپر دفاع موشکی، قابل دسترس در:
<http://www.arannews.ir/fa/news/19450.aspx>
۳. علایی، حسین (۱۳۸۹)، اهداف آمریکا از استقرار سپر دفاع موشکی در خلیج فارس، قابل دسترس در:
http://www.armandaily.ir/index.php?option=com_content&view=section&layout=blog&id=17&Itemid=94&limitstart=240

۲. منابع انگلیسی

1. Active Engagement, Modern Defence (2010), Strategic Concept For the Defence and Security of The Members of the North Atlantic Treaty Organization, Adopted by Heads of State and Government in Lisbon, available at: <http://www.nato.int/lisbon2010/strategic-concept-2010-eng.pdf>
2. Barzegar, Kayhan (2010) Being "Smart" with "Smart Power": Why Should Washington Accept the Tehran Nuclear Declaration at: <http://www.csrjournals.ir/index.php/essay/115-being-smart-with-smartpower-why-should-washington-accept-the-tehran-nuclear-declaration>
3. Benitez, Jorge (2010), Turkey's Conditions for NATO Missile Defense, available at: <http://www.acus.org/natosource/turkeys-conditions-nato-missile-defense>
4. Carey, Glen (2010), Raytheon Plans to Expand Patriot Missile System in Persian Gulf, available at: <http://www.bloomberg.com/news/2010-10-31/raytheon-plans-to-expand-patriot-missile-system-in-persian-gulf.htm>
5. Crowley, Stephen (2010), NATO Agrees to Build Missile Defense System, available at: <http://www.nytimes.com/2010/11/20/world/europe/20prexy.html>
6. Eiland, Giora (2010), Israel's Military Option, Center for Strategic and International Studies, *The Washington Quarterly*, Vol. 33: 1.
7. Europe Split Over Russia's Tough Talk on Missiles (9 November 2008), *Washington Post*.
8. Geibel, Billy (2010), Turkey contemplates NATO's missile defense, available at: <http://www.trdefence.com/2010/10/16/turkey-contemplates-natos-missile-defense>
9. Gordon, Evelyn (2010), Turkey Co-opts NATO Missile-Defense System to Hurt Israel and Help Iran, available at: <http://www.commentarymagazine.com/blogs/index.php/evelyn-gordon/378101>
10. Gray, Andrew (15 January 2009), U.S. to Review Europe Missile Shield under Obama," Reuters News, available at: <http://www.whitehouse.gov/agenda/defense>

11. Hildreth, Steven A (2009), Long-Range Ballistic Missile Defense in Europe, available at: www.fas.org/sgp/crs/weapons/RL34051.pdf
12. <http://www.debka.com/article/9159/>
13. Israel Embarks on a Third Ballistic Defense System (2010), available at: http://defense-update.com/newscast/0207/news/010207_iron_cap.htm
14. Lesser, Ian (23 November 2010), Turkey, the NATO Summit, and After, available at: http://www.gmfus.org/galleries/ct_publication_attachments/Lesser_NATO_Nov10.pdf?j_sessionid=aux1Dml-YRNcrd6jJZ
15. Lindsay, James M. and Ray Takeyh (March/April 2010), After Iran Gets the Bomb Containment and Its Complications, available at: http://www.cfr.org/publication/22182/after_iran_gets_the_bomb.html
16. McNamara, Sally and Baker Spring (20 November 2010), After Lisbon, NATO Must Get Missile Defense, available at: <http://report.heritage.org/wm3065>
17. Missile Defense in the Persian Gulf (31 January 2010), The New York Times, available at: <http://33-minutes.com/2010/02/01/missile-defense-in-the-persian-gulf/>
18. Moran, Andrew (2010), U.S. Increasing Missile Defense System in the Persian Gulf, available at: <http://www.digitaljournal.com/article/286761>
19. NATO Advisory Group Floats Proposals for Shared Interceptor Pool (20 October 2010), Inside Missile Defense, Vol. 16, No. 21, available at: www.INSIDEDefense.com
20. NATO, Strategic Concept for the Defence and Security of the Members of the North Atlantic Treaty Organization, (November 19, 2010), available at: <http://www.nato.int/lisbon2010/strategic-concept-2010-eng.pdf>
21. Patel, Avnish (2010), NATO's New Strategic Concept and Missile Defence, available at: <http://www.defpro.com/daily/details/685>
22. Pollack, Kenneth M. (May 2010), Deterring a Nuclear Iran the Devil in the Details, Council on Foreign Relations (CFR), available at: www.cfr.org/publication/22292/deterring_a_nuclear_iran.html
23. Putrich, Gayle (2010), U.S. Deploys Radar, Troops To Israel, available at: <http://www.defensenews.com/story.php?i=3744319>
24. Reiss, Mitchell B (May 2010), A Nuclear-Armed Iran Possible Security and Diplomatic Implications, Council on Foreign Relations (CFR), available at: www.cfr.org/content/publications/.../Iran_Discussion_Paper_Reiss.pdf
25. Rose, Frank A (2010), Transatlantic Missile Defense: Looking to the NATO Lisbon Summit, available at: <http://www.state.gov/t/avc/rls/149360.htm>
26. Sanger, Danid E. and Eric Schmitt (2010), U.S. Speeding up Missile Defenses in Persian Gulf, available at: <http://www.nytimes.com/2010/01/31/world/middleeast/31missile>
27. Simon, Steven (November 2009), An Israeli Strike on Iran, Council on Foreign Relations (CFR), available at: www.cfr.org/content/publications/.../CPA_contingencymemo_5.pdf
28. U.S. Missile Defense Site in Europe Needed to Support Alliance Strategy (9 October 2006), *Space News*.
29. U.S.-Russia Strategic Framework Declaration (7 April 2008), News Press, available at: merln.ndu.edu/archivepdf/russia/WH/20080406-4.pdf

30. Xuequan, Mu (2010), Turkey says NATO Missile Defense System Should not Target any Country, available at: http://news.xinhuanet.com/english2010/world/2010-10/16/c_13559676.htm
31. Zadra, Roberto (Oct/Nov 2010), NATO, Russia and Missile Defence, *RUSI Journal*, Vol. 155, No. 5.
32. Zalewski, Piotr (12 October 2009), Missile Defence: A View from Turkey, available at: www.scribd.com/Piotr-Zalewski-Missile-Defence-A-View-from-Turkey.../33509207

Archive of SID